



شیفتگی به فرهنگ غرب و غفلت از فرهنگ خودی زبانبار است

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با تأکید بر اینکه هیچ کدام از دو فرهنگ اسلامی-ایرانی و غربی را نمی‌شود به تمامی کنار زد...

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با تأکید بر اینکه هیچ کدام از دو فرهنگ اسلامی-ایرانی و غربی را نمی‌شود به تمامی کنار زد، گفت: بایستی تعاملی بین ایندو برقرار شود تا ناهنجاری‌ها و کاستی‌هایی که در حوزه فرهنگ وجود دارد را سامان بدهیم.

دکتر قاسم پورحسن استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی در مورد عدم انطباق فرهنگ رسمی (آن فرهنگی که از سطوح بالا به بدنه جامعه تزریق می‌شود که منابع آن مبانی انقلاب و قانون اساسی است) با فرهنگ غیررسمی (فرهنگ وارداتی که در جامعه ساری و جاری است) به خبرنگار مهر گفت: در 150 سال اخیر برخی کشورها به خصوص ایران با وضعیتی در حوزه فرهنگ مواجه شدند که تحت عنوان چندپارگی فرهنگی از آن نام می‌بریم. این چندپارگی در ایران تقابل دو و یا سه فرهنگ است. یکی فرهنگ ایرانی دوم فرهنگ اسلامی (اگر ایندو را از هم جدا کنیم) و سوم فرهنگ غربی. یک زمینه تاریخی در دوره جدید که با غرب آشنا شدیم وجود دارد.

وی افزود: فرهنگ ایرانی اسلامی اگر فرهنگ رسمی جامعه ما باشد و فرهنگ غربی و وارداتی فرهنگ غیر رسمی جامعه ما باید گفت همیشه این تعبیر صادق نیست. زیرا فرهنگ هنجار و آرمانی جامعه همیشه حکومتی نیست و فرهنگی را هم که مردم انتخاب می‌کنند و در متن جامعه جاری و ساری است همیشه غیر رسمی نیست فرهنگ وارداتی تا زمانی که به آداب و رسوم و سنت مردم سازگار باشد مردم آن را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند و حالت رسمی هم پیدا می‌کند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه تصریح کرد: بحث عنوان فرهنگ رسمی و غیر رسمی مهم نیست بلکه مهم چالش بین فرهنگ ایرانی اسلامی و فرهنگ غربی است. بسیاری از مشکلاتی که در باب فرهنگ قابل مطالعه است باید این باشد که مؤلفه‌های این دو فرهنگ چه چیزهایی هستند، کدام یک از ایندو فرهنگ می‌تواند نقش تعیین کننده‌تری را شکل بدهند.

عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: در حال حاضر هیچ کدام از این دو فرهنگ را نمی‌شود به تمامی کنار زد، بایستی تعاملی بین ایندو برقرار شود تا ناهنجاری‌ها و کاستی‌هایی که در حوزه فرهنگ وجود دارد را سامان بدهیم. شیفته فرهنگ غرب شدن و غفلت از فرهنگ خودی هر دو زیان بار است.

این نویسنده و مترجم درباره اثرات و تبعات این عدم انطباق هم اظهارداشت: مهمترین اثر آن چند پارگی هویتی است. اگر بخواهیم هویت عقلانی را سامان بدهیم باید تعاملی که گفتم بین این دو فرهنگ شکل داد هرچند سازگاری بین این دو فرهنگ، سخت می‌شود ایجاد کرد. فرهنگ‌ها در تعامل با یکدیگر می‌توانند سبب رشد و شکوفایی و برآوردن نیازهای جامعه باشند.

این نویسنده و مترجم در پایان یادآور شد: تا زمانی که شناخت حقیقی از حوزه‌های چندپارگی فرهنگی نداشته باشیم نمی‌توانیم راه درمان را پیدا کنیم. یکی از مهمترین آسیب‌ها بعد از چندپارگی فرهنگی و هویتی، آشفتگی‌ای است که در حوزه فرهنگ و هنجارها شاهد آن هستیم. این آشفتگی و بحران‌ها به علت این است که ما نتوانستیم سازگاری عقلانی را میان این فرهنگ‌ها شکل بدهیم.